گام‌هایی که باید دولت چهاردهم برای تحقق عدالت بردارد

عدالت گوهر گمشده آموزش‌وپرورش

حجت‌الله بنیادی
پژوهشگر حوزه آموزش

عدالت یکی از موضوعات مهم و اساسی و یکی از شاخص‌های کلیدی در توفیق و اثربخشی نظام تعلیم‌وتربیت است. بی‌شک، نظام آموزش‌وپرورش، در صورتی در تحقق عدالت اجتماعی و پیشرفت جامعه نقشی اساسی خواهد داشت که نه تنها بر مبنای عدالت اداره شود، بلکه قادر باشد نسلی عدالت‌خواه تربیت کند. برقراری عدالت در آموزش‌وپرورش مقدمه دستیابی به عدالت اجتماعی است و شاید بتوان گفت به هر میزان نظام تعلیم و تربیت عدالت محور و عدالت‌خواه باشد، جامعه نیز متناسب با آن یا حداکثر با تأخیری چند ساله از عطر و بوی عدالت بهره‌مند خواهد شد.

عدالت علاوه بر این که یکی از ارزش‌های متعالی است که باید در روح و ضمیر دانش‌آموزان نهادینه شود، اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی است که باید در همه امور و فرآیندهای آموزش‌وپرورش متبلور و نمایان باشد. به همان میزان که توجه به عدالت در آموزش‌وپرورش موجب رضایت، نشاط، امنیت، اطمینان، پایداری و ثبات می‌شود، کم‌توجهی و دوری از عدالت و انصاف موجب نارضایتی، تزلزل، بی‌اعتمادی و تهدیدهای اجتماعی می‌شود. بر این اساس، پرداختن به موضوع عدالت در آموزش‌وپرورش یکی از مباحث بسیار مهم و کلیدی است.

نمرات دروس نهایی دانش‌آموزان، نرخ ورود به دانشگاه، نرخ پوشش تحصیلی و ترک تحصیل و بسیاری از شاخص‌ها نشان می‌دهند که عدالت گوهر واکسیر گمشده در بیشتر فرآیندها و چرخه‌های متنوع آموزش‌وپرورش کشور است. کمبود معلم، کلاس‌های بالای ۴۰ نفر، کلاس‌های چندپایه، معلمان آموزش ندیده، معلمان خرید خدمات، سرباز معلمان، مدارس خشت و گلی، مدارس استعدادهای درخشان، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان دانش‌آموزی، مدارس بدون سرویس بهداشتی و غیره تعدادی از عناوین مرتبط و مؤثر بر نابرابری عدالتی آموزشی هستند.

یکی از ابعاد مهم عدالت آموزشی، عدالت کمی یا امکان دسترسی صرف به امکانات آموزشی یا نرخ پوشش تحصیلی است. هرچند که این نرخ در کشور عدد (حدود ۹۸ درصد) نسبتا قابل قبولی است، ولی حتی محرومیت یک کودک از تحصیل نیز پذیرفتنی نیست و آثار و تبعات نامطلوبی برای فرد و جامعه خواهد داشت. اما این شاخص از نظر توزیع کشوری وضعیت نابرابر عدالتی را دارد، استان سیستان و بلوچستان با نرخ ۹۲ درصد کمترین پوشش تحصیلی در دوره ابتدایی در سطح کشور را دارا است. استان‌های کرمان و هرمزگان نیز نسبت به سایر استان‌های کشور دارای نرخ پایین پوشش تحصیلی در دوره ابتدایی هستند. همچنین براساس گزارش‌های رسمی، بنج استان سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، تهران، خوزستان و آذربایجان غربی دارای بیشترین فراوانی مطلق بازماندگان از تحصیل و استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان رضوی، خوزستان، آذربایجان غربی و کرمان نیز به ترتیب دارای بیشترین آمار ترک تحصیل در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰ هستند. بنابراین آنچه در ادامه بررسی می‌شود، بیشتر بر عدالت کیفی آموزش و عدالت در دسترسی به آموزش با کیفیت، یا به عبارتی عدالت کیفی در آموزش و پرورش و عوامل اثرگذار بر کیفیت آموزش تمرکز دارد. هرچند که عدالت خمیرمایه و اصل اساسی هر فعالیت و اقدام در آموزش و پرورش باید باشد، اما برای فهم ساده‌تر؛ عدالت آموزشی را به طور خلاصه در سه محور شامل معلم، فضای آموزشی و پرورشی و تجهیزات و امکانات آموزشی و کمک آموزشی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

عدالت در تأمین معلم

معلم، اساسی‌ترین رکن نظام تعلیم و تربیت و محوری‌ترین شاخص عدالت آموزشی است، در نتیجه رعایت عدالت در تأمین معلم، مهم‌ترین اقدام در دستیابی به عدالت آموزشی است. نسبت دانش‌آموز به معلم (تراکم کلاسی)، چگونگی فرآیند تربیت، سطح و رشته تحصیلی و ارتباط آن با رشته تدریس، دوره‌های مهارت‌آموزی، کارآموزی و کارورزی بدو خدمت، نظام جبران خدمات و پرداخت‌های انگیزشی، سازوکار ارتقاء توانمندی‌های علمی و حرفه‌ای و در نهایت امنیت شغلی، مهم‌ترین ابعاد و شاخص‌های عدالت در تأمین معلم هستند.

ناعدالتی در دسترسی به معلم

با فرض یکسان بودن مؤلفه‌های شایستگی، انگیزه و توانمندی‌های معلمان، نسبت معلم به دانش‌آموز یکی از شاخص‌های بسیار مهم عدالت آموزشی است. در کلاس ۴۰ نفری، معلم به میزان نصف کلاس ۲۰ نفری برای تعامل مستقیم و فردی با هر دانش‌آموز فرصت دارد. در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹، نسبت معلم به دانش‌آموز در مدارس روستایی استان سیستان و بلوچستان ۴۲،۳۳ (یک معلم به ازای ۴۲،۳۳ دانش‌آموز) است که بیشترین نسبت دانش‌آموز به معلم در مدارس روستایی کشور است. در دوره ابتدایی، شهرستان‌های تهران با نسبت ۵۲،۹۳ دارای بالاترین نسبت و ایلام با ۱۷،۶ دارای کمترین نسبت است. هرچند که شرایط جغرافیایی و کوهستانی در پایین بودن این نسبت استان ایلام تأثیر دارد، اما تفاوت حدود سه برابری میان این نسبت در مدارس از یک ناعدالتی گسترده در توزیع و تأمین معلم در کل کشور حکایت دارد.

نابرابری در روش‌های تأمین معلم

هم اکنون آموزش‌وپرورش از شیوه‌های دوره چهارساله تربیت معلم با پذیرش از دیپلم، دوره یک ساله قبل از استخدام با پذیرش از کارشناسی، معلم خرید خدمات آموزشی، سرباز معلم و دانشجو معلمان مأمور به تدریس، معلمان مورد نیاز تأمین می‌کند. در کنار این روش‌ها، اگر گروه‌های متنوع دیگر، شامل؛ نیروهای پیش دبستانی، نیروهای خرید خدمات آموزشی، نیروهای حق التدریس، آموزشیاران نهضت سواد آموزی و معلمان قرآنی که درگذشته به کار گرفته شده‌اند را اضافه کنیم، وضعیت ناعادلانه تأمین معلم بیشتر نمایان می‌شود. نحوه گزینش، کیفیت آموزش و تربیت؛ میزان و کیفیت دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت گروه‌های مختلف معلم آن قدر با هم متفاوت است که تفاوت در توانمندی و صلاحیت‌های حرفه‌ای آن نیز به هیچ بحث و گفت‌وگویی ندارد. سرباز معلمی که درواقع واگذاری مسئولیت تربیت دانش‌آموزان به افرادی که هدف اصلی آن‌ها گذراندن خدمت سربازی است، مصداق بارز ناعدالتی و اجحاف در حق دانش‌آموزان مناطق روستایی است که به غلط به یک روش پذیرفته شده برای تأمین معلم تبدیل شده است. سبک جدیدی هم که دوسال است در آموزش‌وپرورش به کار گرفته می‌شود، ملزم کردن دانشجو معلمان سال چهارم به تدریس در مدارس به عنوان معلم اصلی است. یعنی دانشجو معلم در عین حالی که دغدغه قبولی در درس‌های سال چهارم دانشگاه را دارد، مسئولیت معلمی یک کلاس نیز برعهده او نهاده می‌شود. از این دانشجویان نیز، همانند سرباز معلم و معلم خرید خدمات و غیره در مناطق محروم روستایی استفاده می‌شود. در میان همه این روش‌ها، صدور مجوز محرمانه استخدام برای بیش از ۶ هزار نفر، از «مخازن سرمایه انسانی مراکز حاکمیتی» در سال ۱۴۰۱، نشان می‌دهد که عدالت محوری در تأمین معلمان و فرصت‌های عادلانه استخدام، اولویت و اهمیت چندانی برای مدیران سازمان اداری و استخدامی و آموزش‌وپرورش نداشته است. جای تأسف بیشتر آنجاست که علیرغم همه شعارهایی که داده شده، آموزش‌وپرورش قادر به تربیت معلم به شکلی عادلانه نیست و همچنان به جای تربیت معلم، به تأمین معلم از روش‌های ناعادلانه می‌پردازد. به گونه‌ای که استفاده از ظرفیت ماده ۲۸ اساسنامه دانشگاه فرهنگیان که در سال ۱۳۹۴ حدود ۳ هزار نفر بوده در مهر ۱۴۰۳ با افزایش ۲۰ برابری به ۷۲ هزار نفر افزایش یافته است. بدتر آنکه این افراد بدون طی آموزش‌های لازم به کلاس فرستاده شده‌اند و در هیچ‌یک از سال‌ها دوره مهارت‌آموزی آن‌ها به‌صورت کامل برگزار نشده است. در مهر ۱۴۰۲ حدود ۵۰ هزار نفر معلم بدون طی دوره‌های مهارت‌آموزی به کلاس رفتند و آنچنان که پیداست حدود ۷۰ هزار معلم استخدامی در مهر ۱۴۰۳ نیز بدون طی آموزش یک ساله وحتی آموزش حداقلی به کلاس می‌روند. بدیهی است که اگر دانشگاه فرهنگیان و شهید رجایی قادر به تربیت معلمان موردنیاز کشور بودند، می‌بایست در عمر ۱۲ ساله دانشگاه فرهنگیان و با وجود ۲۰ برابر شدن ظرفیت پذیرش از طریق آزمون استخدامی این امر محقق می‌شد. این وضعیت تأسف‌بار و ناعادلانه در تأمین معلم در حالی رقم خورده است که قبل از تأسیس دانشگاه فرهنگیان عموما همه معلمان موردنیاز، که از نظر شیوه‌های تربیت معلم و صلاحیت‌های حرفه‌ای در شرایط نسبتا ضعیف قرار دارند غالبا بار ناعدالتی است. علاوه بر این هیچ وزارتخانه و دستگاه دولتی دیگری از پذیرفته شدگان آزمون استخدامی مبلغی برای برگزاری دوره‌های بدو خدمت دریافت نمی‌کند.

نسبت معلم به دانش‌آموز، مبنای اصلی توزیع اعتبارات بودجه

شاید این سؤال به وجود آید که توزیع منابع مالی در آموزش‌وپرورش چه سهم و نقشی در عدالت آموزشی دارد؟ در پاسخ باید گفت بیش از ۹۵ درصد اعتبارات هزینه‌ای آموزش‌وپرورش صرف تأمین هزینه‌های پرسنلی می‌شود و کمتر از ۵ درصد آن بر مبنای شاخص‌های دیگر توزیع می‌شود. به عبارتی ۹۵ درصد منابع مالی آموزش‌وپرورش از طریق توزیع نیروی انسانی، از قبل توزیع شده‌اند. لذا توزیع منابع مالی تابع تعداد معلمان و کارکنان است و آموزش‌وپرورش عملا ۹۵ درصد اعتبارات را با تخصیص و توزیع معلم، بین استان‌ها توزیع می‌کند و هر استانی که معلم و کارکنان بیشتری دارد، سهم بیشتری از ۹۵ درصد منابع هم دارد. علاوه بر نسبت دانش‌آموز به معلم، سوابق بالاتر، مدارج تحصیلی بالاتر، رتبه بالاتر اثر مستقیم در افزایش سهم سرانه هر استان از بودجه دارد. بنابراین تحقق عدالت نسبی در بخش بودجه و اعتبارات هزینه‌ای، بدون برقراری عدالت در توزیع منابع انسانی دست‌نیافتنی است.

سهم بسیار اندک دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه از معلم و امکانات

کلاس‌های چندپایه، از دیگر مصادیق دسترسی ناعادلانه به معلم است. در کلاس‌های چندپایه یک معلم به جای دانش‌آموزانی در یک پایه تحصیلی، دانش‌آموزانی از چند پایه مختلف تحصیلی دارد. وقتی که معلم برای یک کلاس سه پایه به تدریس و آموزش دروس هر پایه اختصاص دهد، یک سوم متناسب با دوره تحصیلی و اقتضائات منطقه‌ای در دانشسراها، مراکز و دانشگاه‌های تربیت معلم و برخی دانشگاه‌های مطرح کشور تربیت می‌شدند. ولی اکنون با وجود افزایش استفاده از روش‌های ناعادلانه تأمین معلم، کلاس‌های درس بدون معلم در مناطق محروم در روزها و ماه‌های آغاز سال تحصیلی برشدت این ناعدالتی می‌افزاید.

معلم‌های آموزش ندیده، سهم مناطق محروم

نادیده گرفتن عدالت در تأمین معلمان شایسته و توانمند، صرفا در شیوه‌های ناعادلانه تربیت و آماده‌سازی معلمان خلاصه نمی‌شود. توزیع ناعادلانه معلمان و اعزام بیشترین تعداد سرباز معلمان و معلمان خرید خدمات آموزشی، معلمان آموزش ندیده جدید الاستخدام و ... به مناطق محروم؛ برافزایش فقر آموزشی و تربیتی در این مناطق افزوده است. عملکرد آموزش‌وپرورش نشانگر آن است که سرباز معلمان، معلمان خرید خدمات و معلمان آموزش ندیده جدید الاستخدام تناسب با دانشجو معلمان دوره چهارساله که در حین تحصیل حقوق دریافت می‌کنند، مصداق بارز ناعدالتی است. علاوه بر این هیچ وزارتخانه و دستگاه دولتی دیگری از پذیرفته شدگان آزمون استخدامی مبلغی برای برگزاری دوره‌های بدو خدمت دریافت نمی‌کند.

نسبت معلم به دانش‌آموز، مبنای اصلی توزیع اعتبارات بودجه

شاید این سؤال به وجود آید که توزیع منابع مالی در آموزش‌وپرورش چه سهم و نقشی در عدالت آموزشی دارد؟ در پاسخ باید گفت بیش از ۹۵ درصد اعتبارات هزینه‌ای آموزش‌وپرورش صرف تأمین هزینه‌های پرسنلی می‌شود و کمتر از ۵ درصد آن بر مبنای شاخص‌های دیگر توزیع می‌شود. به عبارتی ۹۵ درصد منابع مالی آموزش‌وپرورش از طریق توزیع نیروی انسانی، از قبل توزیع شده‌اند. لذا توزیع منابع مالی تابع تعداد معلمان و کارکنان است و آموزش‌وپرورش عملا ۹۵ درصد اعتبارات را با تخصیص و توزیع معلم، بین استان‌ها توزیع می‌کند و هر استانی که معلم و کارکنان بیشتری دارد، سهم بیشتری از ۹۵ درصد منابع هم دارد. علاوه بر نسبت دانش‌آموز به معلم، سوابق بالاتر، مدارج تحصیلی بالاتر، رتبه بالاتر اثر مستقیم در افزایش سهم سرانه هر استان از بودجه دارد. بنابراین تحقق عدالت نسبی در بخش بودجه و اعتبارات هزینه‌ای، بدون برقراری عدالت در توزیع منابع انسانی دست‌نیافتنی است.

سهم بسیار اندک دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه از معلم و امکانات

کلاس‌های چندپایه، از دیگر مصادیق دسترسی ناعادلانه به معلم است. در کلاس‌های چندپایه یک معلم به جای دانش‌آموزانی در یک پایه تحصیلی، دانش‌آموزانی از چند پایه مختلف تحصیلی دارد. وقتی که معلم برای یک کلاس سه پایه به تدریس و آموزش دروس هر پایه اختصاص دهد، یک سوم یک کلاس تک‌پایه است. کم‌توجهی به عدالت آموزشی، در این مدارس آنجا آشکارتر می‌شود که آموزش‌وپرورش در شیوه‌نامه ساماندهی که از سال ۱۳۹۳ تاکنون ابلاغ کرده است، حداقل دانش‌آموز برای تشکیل یک کلاس تک پایه را ۱۲ نفر اعلام کرده و از طرفی نیز تشکیل کلاس‌های دوپایه تا ۲۵، کلاس‌های سه یا چهارپایه تا ۲۰ نفر، کلاس پنج‌پایه تا ۱۵ و کلاس ۶ پایه را تا ۱۰ نفر مجاز شمرده است. یعنی در برخی مناطق به یک کلاس روستایی دوپایه با ۲۵ دانش‌آموز یک معلم و به یک کلاس تک پایه با ۱۲ دانش‌آموز هم یک معلم اختصاص می‌یابد. مطابق جداول درج شده در شیوه‌نامه ساماندهی سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۳، برای یک کلاس دوپایه تا ۲۵ نفر، کلاس سه و چهارپایه تا ۲۰ نفر، کلاس پنج‌پایه تا ۱۵ نفر و کلاس ۶ پایه تا ۱۰ نفر دانش‌آموز فقط یک معلم اختصاص می‌یابد. به این صورت که برای یک کلاس ۶ پایه با ۶ تا ۱۰ دانش‌آموز، یک معلم، برای یک کلاس پنج‌پایه با ۵ تا ۱۵ دانش‌آموز، یک معلم، برای یک کلاس چهارپایه با ۴ تا ۲۰ دانش‌آموز، یک معلم، برای یک کلاس سه‌پایه با ۳ تا ۲۰ دانش‌آموز یک معلم و نهایتا برای یک کلاس دوپایه با ۲ تا ۲۵ دانش‌آموز فقط یک معلم اختصاص می‌یابد.

هرچند که در کلاس‌های سه‌پایه و بیشتر، ساعات آموزش هفتگی تا سقف ۴ افزایش می‌یابد و به تناسب آن، برای معلمان این کلاس‌ها، حق التدریس لحاظ می‌شود و در قانون رتبه‌بندی معلمان هم امتیازی نیز برای آن‌ها لحاظ می‌شود، اما ناعدالتی که در حق دانش‌آموزان این مدارس اعمال می‌شود قابل چشم‌پوشی نیست. اداره کلاس‌های چندپایه با ۲۵ دانش‌آموز دختر و پسر، منشأ بروز مشکلات متعدد آموزشی، اجتماعی و اخلاقی در این مدارس است. در کنار این وضعیت، تصور کنید که از سرناچاری و کمبود معلم، برای چنین کلاس‌هایی یک سرباز معلم، یا معلم جدید الاستخدام آموزش ندیده اختصاص یابد. حال سؤال این است که ردیف بودجه «عدالت آموزشی و تأسیس قرارگاه عدالت آموزشی» چه نقش و سهمی در این وضعیت تأسف‌بار دارد؟ آیا جز این است که این وضعیت ناعادلانه محصول فهم ناصحیح مدیران و مسئولان آموزش‌وپرورش از عدالت آموزشی است و آن‌ها به جای توجه به برقراری عدالت در هر فعالیت و اقدامی؛ تحقق عدالت را با اقدام‌های شبه نمایشی همچون قرارگاه عدالت آموزشی و ردیف بودجه‌ای عدالت آموزشی دنبال می‌کنند.

سرانه فضاهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی

توزیع ناعادلانه سرانه فضای آموزشی یکی دیگر از مصادیق ناعدالتی در نظام آموزشی کشور است. استان سیستان و بلوچستان با سرانه فضای آموزشی ۲،۷۸ مترمربع به ازای هر دانش‌آموز کمترین و استان‌های ایلام با ۸،۲۸ مترمربع و چهارمحال و بختیاری با ۸،۰۳ بیشترین سرانه فضای آموزشی را در سال ۱۳۹۹ داشته‌اند. غیراستاندارد بودن و ناایمن بودن بخش عمده‌ای از فضاهای آموزشی در کنار توزیع ناعادلانه فضاهای موجود، بازنگری و اصلاح رویکردهای ساخت و ساماندهی مدارس را بسیار ضروری می‌نماید.

بخشی از کلاس‌های پرجمعیت، ریشه در نبود فضای آموزشی دارد

تشکیل کلاس‌هایی با تراکم ۴۰ تا ۵۰ دانش‌آموز تنها به دلیل کمبود معلم نیست، بلکه بخشی از این کلاس‌ها به دلیل نبود فضای آموزشی شکل می‌گیرد. علیرغم این که درسند تحول مقرر شده، ساخت و ساز مدارس بر مبنای آمایش سرزمین و در یک افق ۵۰ ساله انجام شود، ولی همچنان شاهد هستیم که ساخت و ساز مدارس در کشور، به دور از عدالت و بدون تدوین و تصویب آمایش انجام می‌شود.

سهم دانش‌آموزان روستایی از کانون‌ها، دارالقرآن، پژوهش سرا، اردوگاه‌ها و...

آموزش‌وپرورش در حال حاضر فضاهای زیادی را در شهرهای بزرگ به فعالیت‌های فرهنگی، تربیتی، از قبیل کانون فرهنگی تربیت، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، پژوهش سرا و غیره اختصاص داده است که بخش زیادی از دانش‌آموزان روستایی از حداقل‌های یک فضای آموزشی بی‌بهره هستند.

مدارس فاقد سرویس بهداشتی، چه نسبتی با عدالت آموزشی دارند؟

باوجود اینکه در قانون بودجه، در ردیف عدالت آموزشی هرسال اعتباری با عنوان عدالت آموزشی در نظر گرفته می‌شود و چندسالی است قرارگاه عدالت آموزشی راه‌اندازی شده، اما حدود هزار مدرسه فاقد سرویس بهداشتی و حدود هزار مدرسه دیگر از سرویس بهداشتی مناسب بی‌بهره‌اند. بدیهی است تا زمانی که توزیع اعتبارات و ساختار بودجه عدالت محور نباشد و توزیع اعتبارات سازمان نوسازی مبتنی بر عدالت نباشد، اقداماتی همچون تخصیص یک ردیف در بودجه و تشکیل قرارگاه، اقدامات نمایشی هستند که ره به جایی نبرده و نخواهند برد. زمانی که توزیع اعتبارات سازمان نوسازی و جه المصالحه برای بازپس گیری امضاهای پای استیضاح وزرا قرار می‌گیرد، عدالت فقط به یک شعار تبدیل می‌شود. وجود مدارسی بدون سرویس بهداشتی مناسب و مدارس خشت و گلی نشان می‌دهد که نظام آموزش‌وپرورش در رعایت اساسی‌ترین ابعاد عدالت آموزشی بی‌برنامه و ناتوان است.

سهم نزدیک به صفر دانش‌آموزان و کودکان روستایی از امکانات و خدمات

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، سازمان دانش‌آموزی، مؤسسه منادی تربیت، اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزی و مؤسسه مدرسه برهان (انتشارات برهان)، تعدادی از سازمان‌ها و نهادهای وابسته به آموزش‌وپرورش هستند که به طور مستقیم از منابع و امکانات آموزش‌وپرورش استفاده می‌کنند، ولی عموم دانش‌آموزان روستاها و شهرهای کوچک سهمی نزدیک به صفر از خدمات این مؤسسات دارند. جالب این است که امکانات دولتی در اختیار این نهادها یا صرف خدمت به دانش‌آموزان خاص در شهرهای بزرگ می‌شود، یا برای خدمت‌رسانی به افراد و گروه‌های خاص به کار گرفته می‌شود.

ابلاغ دادنامه

در خصوص اتهام وارده به جهانشاه رحیمی فرزند علیشاه دائر بر نگهداری کالای قاچاق مجاز مشروط (۵۱۰کیلوگرم چوب بلوط جنگلی) به ارزش ۵۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال موضوع گزارش صدر الذکر با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده شماره ۱۴۰۲/۴۵/۲۹ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ منابع شهرستان خانمیرزا عدم حضور یا ارسال لایحه دفاعیه یا تعرفه وکیل از سوی متهم علی رغم ابلاغ احضاریه با وصف قانونی و مضی مهلت نظر به فقد وعدم ارائه هرگونه مجوز نگهداری یا بهره برداری از منابع طبیعی حجم و نحوه نگهداری کالا شعبه اتهام وارده را محرز و مسلم دانسته مستنداً به ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲/۱۰/۰۳ اصلاحی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی و بند ب ماده ۱۸ وماده ۲۵ مکرر قانون صدرالذکر و محلوظ قرار دادن صورتجلسه شماره ۲۲/۱۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ کمیته فنی اداره کل منابع طبیعی استان مبنی بر ارزش چوب بلوط جنگلی به میزان هر کیلوگرم ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال نامبرده را علاوه بر ضبط کالا به پرداخت مبلغ ۱/۵۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی (معادل حداکثر ارزش ریالی) در حق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران محکوم و اعلام می‌نماید. رای صادره غیابی ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و پس از آن ظرف مدت یاد شده قابل تجدید نظرخواهی در شعبه محترم تجدید نظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی می باشد. دفتر مقرر است پرونده از آمار شعبه کسر مفاد رای به طرفین (محکوم علیه و مراجع ذیصلاح) ابلاغ نسبت به اجرای حکم و تعیین تکلیف کالای توقیفی پس از قطعیت رای وفق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اقدام گردد.

حسین آزمون دهکردی رئیس شعبه اول بدوی تعزیرات حکومتی شهرستان لردگان

==========

ابلاغ دادنامه

در خصوص اتهام وارده به آقای احمد(عبدالشاه) رحیمی فرزند علیشا دائر بر نگهداری کالای قاچاق مجاز مشروط (۴۰۵کیلوگرم چوب بلوط جنگلی) به ارزش ۱/۷۰۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال موضوع گزارش صدر الذکر با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده شماره ۱۴۰۲/۴۵/۳۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ منابع شهرستان خانمیرزا عدم حضور یا ارسال لایحه دفاعیه یا تعرفه وکیل از سوی متهم علی رغم ابلاغ احضاریه با وصف قانونی و مضی مهلت نظر به فقد وعدم ارائه هرگونه مجوز نگهداری یا بهره برداری از منابع طبیعی حجم و نحوه نگهداری کالا شعبه اتهام وارده را محرز و مسلم دانسته مستنداً به ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۲/۱۰/۰۳ اصلاحی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی و بند ب ماده ۱۸ وماده ۲۵ مکرر قانون صدرالذکر و محلوظ قرار دادن صورتجلسه شماره ۲۲/۱۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ کمیته فنی اداره کل منابع طبیعی استان مبنی بر ارزش چوب بلوط جنگلی به میزان هر کیلوگرم ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال نامبرده را علاوه بر ضبط کالا به پرداخت مبلغ ۵/۱۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی (معادل حداکثر ارزش ریالی) در حق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران محکوم و اعلام می‌نماید. رای صادره غیابی ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و پس از آن ظرف مدت یاد شده قابل تجدید نظرخواهی در شعبه محترم تجدید نظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی می باشد. دفتر مقرر است پرونده از آمار شعبه کسر مفاد رای به طرفین (محکوم علیه و مراجع ذیصلاح) ابلاغ نسبت به اجرای حکم و تعیین تکلیف کالای توقیفی پس از قطعیت رای وفق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اقدام گردد.

حسین آزمون دهکردی رئیس شعبه اول بدوی تعزیرات حکومتی شهرستان لردگان

==========

ابلاغ دادنامه

در خصوص اتهام وارده به آقای عزیزاله رحیمی فرزند فرج اله دائر بر نگهداری کالای قاچاق مجاز مشروط (۴۰۵کیلوگرم چوب بلوط جنگلی) به ارزش ۴۰۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال موضوع گزارش صدر الذکر با عنایت به جمیع اوراق و محتویات پرونده شماره ۱۴۰۲/۴۵/۳۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۲/۰۵ منابع شهرستان خانمیرزا عدم حضور یا ارسال لایحه دفاعیه یا تعرفه وکیل از سوی متهم علی رغم ابلاغ احضاریه با وصف قانونی و مضی مهلت نظر به فقد وعدم ارائه هرگونه مجوز نگهداری یا بهره برداری از منابع طبیعی حجم و نحوه نگهداری کالا شعبه اتهام وارده را محرز و مسلم دانسته مستنداً به ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۹۳/۱۰/۰۳ اصلاحی ۱۴۰۰/۱۱/۱۰ مجلس شورای اسلامی و بند ب ماده ۱۸ وماده ۲۵ مکرر قانون صدرالذکر و محلوظ قرار دادن صورتجلسه شماره ۲۲/۱۹ مورخ ۱۳۹۹/۰۸/۲۱ کمیته فنی اداره کل منابع طبیعی استان مبنی بر ارزش چوب بلوط جنگلی به میزان هر کیلوگرم ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال نامبرده را علاوه بر ضبط کالا به پرداخت مبلغ ۱/۲۱۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال جزای نقدی (معادل حداکثر ارزش ریالی) در حق صندوق دولت جمهوری اسلامی ایران محکوم و اعلام مینماید. رای صادره غیابی ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و پس از آن ظرف مدت یاد شده قابل تجدید نظرخواهی در شعبه محترم تجدید نظر ویژه رسیدگی به تخلفات قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی می باشد. دفتر مقرر است پرونده از آمار شعبه کسر مفاد رای به طرفین (محکوم علیه و مراجع ذیصلاح) ابلاغ نسبت به اجرای حکم و تعیین تکلیف کالای توقیفی پس از قطعیت رای وفق قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز اقدام گردد.

حسین آزمون دهکردی رئیس شعبه اول بدوی تعزیرات حکومتی شهرستان لردگان

==========

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابرای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۸۰۰۰۸۹۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم معصومه نصیری تجره رودی فرزند ابوالحسن ش. ش ۵ صادره از میانه در یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۲۹/۵۶ مترمربع پلاک ۹۴۵۳ فرعی از ۲ اصلی واقع در بخش ۱۲ تهران خریداری از مالک رسمی آقای حسن تبار و رضا استاد حسین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۴/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۵/۱۴ م الف ۱۱۹۸۰

محمدعلی ابراهیمی-کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

چون برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۰۹۸۳ مورخ ۱۴۰۳/۴/۴ منضم به نامه شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۱۴۷۰۰۰۹۸۴ مورخ ۱۴۰۳/۴/۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۹۰/۹/۲۰ مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک زیبادشت تهران تصرفات مفروزی و مالکانه و بلامعارض عباسعلی علی نقی به ش. ش ۱۳ و کدملی ۰۰۵۳۲۹۳۳۳۹ فرزند محمدعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۸۱/۵۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۷۵۴ اصلی واقع در بخش ۱۰ تهران محرز شده است. لذا به منظور اطلاع ذوی الحقوق و شرکای مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در روزنامه آگهی می گردد در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مهلت قانونی و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت به نام نامبرده صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۴/۳۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۵/۱۴

م الف ۱۱۹۸۰

محمدعلی ابراهیمی-کفیل واحد ثبتی حوزه ثبت ملک زیبادشت تهران

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی زراعی باغات و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۷۹۰۰۰۳۴۷ مورخ ۱۴۰۳/۳/۲۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تهرانپارس در خصوص پرونده کلاسه ۱۴۰۱۱۱۴۴۰۱۰۷۹۰۰۰۲۴۴ تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای بهمن علی اکبری به ش. ش ۵۶ کدملی ۱۶۹۹۷۸۵۴۱۴ متولد ۱۳۴۱ صادره آذرشهر فرزند حسین در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۱۰۳/